



یادداشت

دست پیروان عمامه به سر تاجربسیم از سر کارگران ایران باید کوتاه شود!

صادق کار



به احتمال زیاد کمتر حکومت و دولتی را در جهان امروز می توان سراغ داشت که در درون آن به اندازه حکومت جمهوری اسلامی مناسبات ملوک الطوایفی، هرج و مرج و دخالت مسئولین مختلف در حوزه مسئولیتی یک دیگر معمول باشد. منشا این همه هرج و مرج یقیناً کسی جز رهبر حکومت فقاhtی نیست.

کم اتفاق نمی افتد که رهبر حکومت با صدور یک فرمان حکومتی، قانون مجلس و تصمیمات دولت و دیگر نهادهای تحت کنترل خودش و حتی موادی از قانون اساسی حکومت که خودکامگی وی را خدشه دار بنماید با یک فرمان باطل نکند.

این رفتار رهبر خودکامه به سلسله مراتب قدرت پائین دست وی نیز تعمیم پیدا نموده و هر مسئولی بر حسب موقعیتی که در دستگاه قدرت دارد به تقلید از ولی فقیه در کار و حوزه مسئولیت دیگر مسئولین دخالت میکند بدون اینکه از عواقب آن نگرانی به خود راه دهد.

این دخالتها هر چند که تاکنون خسارات اقتصادی- اجتماعی هنگفتی بر کشور و مردم وارد نموده و عدهای را به عرش برده و کثیری را به بیچارگی کشانده است از آنجا که منافع باندهای مافیایی حاکم بر منافع مردم و کشور ارجحیت پیدا کرده همچنان ادامه دارند و هر روز که میگذرد خسارات بسیار دیگری بر مردم خصوصاً گروه های اجتماعی زحمتکش وارد می آورند.

حتی سرداران درجه چنم سپاه در این کار چنان پیش می روند که حکم ابطال تصمیمات وزارت امور خارجه رژیم را هم صادر و حتی وزیر خارجه را نیز به انواع مجازاتها تهدید می کنند.



رئیس قوه قضائیه که قاعدتا می بایست برای حفظ ظاهر هم که شده از دخالت مستقیم و صدور فرمان در اموراتی که سختی با مسئولیت وی ندارند اجتناب نماید، خود را از این قاعده مستثنی می پندارد و هرگاه که میل اش بکشد در اموری که ربط مستقیمی به وی ندارد دخالت می کند و از فراز سر مسئولین مربوطه فرمان صادر می کند. اظهارات ابراهیم رئیسی رئیس قوه قضائیه در دهم فروردین راجع به سن بازنشستگی، از موارد دخالتی است که او انجام داده ولی هیچ ربطی به مسئولیت و شغل وی ندارد. ایلنا در ۱۱ اردیبهشت امسال به نقل از رئیسی نوشت:

"رئیسی، روز گذشته (دهم فروردین ماه) در دیدار قضات و کارکنان دادگستری لرستان گفت: سن بازنشستگی در کشور یک معضل بزرگ است و متأسفانه شاهد این هستیم عده‌ای با چهره جوان بازنشسته می‌شوند و این افراد بعد از بازنشستگی سراغ شغل دوم می‌روند و همین موضوع باعث از دست رفتن شغل برای نسل جوان می‌شود، این موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام در حالى نظر بررسی است." در مورد محتوای حرفهای رئیسی حرف و حدیث بسیار است که جای برخورد با آن در این نوشته نیست. زیرا اصولاً او مقام مسئولی در امور بازنشستگی و قانون کار نیست که لازم باشد به تک تک اظهار نظرهای شیدانه و مندرس وی جواب داد. این حرفها را دهها سال پیش تاجر و ریگان و دیگر مجریان و سرکر دگان نئولیبرالیسم اقتصادی زده اند و دهها سال است که توسط مدعیان اقتصاد اسلامی تکرار و هر گاه که فرصت پیدا کرده‌اند آنها را هم اجرا کرده‌اند اکنون دیگر عالم و آدم می دانند که مقصود از اقتصاد و عدالت اسلامی همان اقتصاد و عدالت نوع تاجریسم و بلکه بدتر از آن است. . اعتراض در اینجا به دخالت رئیس قوه قضایی در کاری است که ربطی به مسئولیت وی ندارد.

قانون بازنشستگی جزئی از قوانین کار است که در مجلس به تصویب رسیده و بعنوان جزیی از قانون کار در مجمع تشخیص مصلحت نیز بهر دلیل مورد تائید قرار گرفته است. این قانون نه توسط دستگاه قضایی به تصویب رسیده و نه اساساً ربطی به قوه قضائی و رئیس آن دارد که در صدد تغییر آن برآید. هر تغییری که تا کنون در قانون کار مصوب بعد از انقلاب بوجود آمده و همچنین صدور دادنامه دیوان عدالت اداری که بخشی از دستگاه قضایی است همگی خلاف قوانین، علیه حقوق کارگران، به سود سرمایه‌داری رانتخوار حاکم بوده‌اند و هستند و کارگران مخالف آنها هستند.

از فحواى کلام رئیسی بر می آید او قصد دارد خودش راساً از بالای سر کارگران و نهادهایی مانند مجلس با کمک شورای ارتجاعی و ضد مردمی تشخیص مصلحت قانون بازنشستگی را به صورتی که مطلوب نظر سرمایه‌داران رانتی و غارتگر حکومتی باشد تغییر دهد. دولت و مجلس ارتجاعی نیز با وجود اینکه رئیسی می خواهد آنها را دور بزند، مخالفتی با این اقدام رئیسی نخواهند کرد، زیرا کار آنها را آسان می کند. حتی ممکن است خودشان از رئیسی خواسته باشند که انجام این کار را به عهده بگیرد. دلیل دیگر افاضات رئیسی می تواند واکنشی تلافی جویانه باشد در مقابل اعتراضات بی سابقه بازنشستگان تامین اجتماعی. مهم نیست که چه دستهای پشت این قضیه قرار دارند، مهم این است که کارگران و بازنشستگان خود خود را برای مقابله با تغییرات ارتجاعی مورد نظر رئیسی و ارتجاعیون حاکم در قانون بازنشستگی آماده کنند.

قوه سرکوبگر قضائی و بالاخص شخص رئیسی با سرکوب تشکلهای سندیکایی و سازمانهای کارگری و دیگر جریان‌ات عدالتخواه و قتل عام هزاران نفر از مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی در سال ۶۷ و قبل و بعد از آن در فراهم کردن شرایط از بین بردن حقوق کارگران و زحمتکشان نقش اساسی داشته است. فقر و فلاکت و بی



حقوقی موجود کارگران و کسب ثروتهای نجومی توسط عدهای از سردمداران و وابستگان حکومت و فساد و انواع معضلات اجتماعی نا میمون مانند، اعتیاد، قاچاق، فحشاء، دزدی و غیره، از پیامدهای عملکرد دستگاه قضایی است. با این همه درد و مصیبت که قوه قضایی بر مردم این سرزمین تحمیل نموده، باز هم رئیس جنایتکار و فاسد دستگاه قضایی که لاف عدالت خواهی هم میزند تحمل یکی از محدود حقوق با ی گذاشته شده کارگران در قانون کار را ندارد. قاضی القضاات حکومت اگر میخواهد کاری انجام دهد، بهتر است وقت خودش و دستگاه قضایی را بجای اینکه صرف سرکوب عدالت خواهان و نمایندگان آنها بنماید، صرف از بین بردن فساد بکند که سرپای دستگاه قضایی و کل حکومت را در نور دیده و این همه جرم و جنایت و بیچارگی و عقب ماندگی برای کشور و مردم بوجود آورده است

دست پیروان عمامه به سر تاجریسم از سر کارگران ایران باید کوتاه شود. و گر نه کارگران و حقوق شان هیچگاه با وجود این جماعت بد اندیش و بدکردار در امان نخواهد بود



به سرکوب سندیکاها کارگری پایان دهید!



افول نئولیبرالیسم: نمایشنامه در سه پرده بخش ششم

فردناندو روگیتسکی



پرده سوم: مرگ انسانها و مرگ نئولیبرالیسم – ادامه

کنترل مستقیم دولت بر شهروندان، که در جنگ علیه پاندمی اعمال شد، تا چندی پیش غیرقابل تصور به نظر می رسید. دولت ایتالیا شرکت هواپیمایی ایتالیا، آلیتالیا، را ملی کرد؛ دولت اسپانیا کنترل سیستم خصوصی سلامت و بهداشت را به دست خود گرفت؛ دولت ترامپ در آمریکا از قانون مصوبه در زمان جنگ کره استفاده کرد تا جنرال موتورز را به تولید هواکش مجبور کند. در برخی کشورها حتی پرداخت دستمزد کارگرانی که مجبور به ماندن در خانه شده اند، به عهده دولتها قرار گرفته است؛ در بریتانیا دولت متعهد شده است که ۸۰ درصد درآمدهای کارگران مرخص شده و "خویش فرمایان" را تا سقف ۲۵۰۰ پوند در ماه بپردازد؛ دولت دانمارک همین تعهد را برای پرداخت ۷۵ درصد درآمدها پذیرفته است. این نمونه ها البته صرفاً مصادیقی از یک مجموعه بزرگ از سیاستهایی اند که در سراسر دنیا به اجرا گذاشته شده اند. قابل ذکر است که بیشتر این اقدامات متوجه تخفیف خسارات وارد بر سود و نجات مشاغل بحرانبه اند و نه برای حمایت از کارگران که گاه بقای آنان با خطر روبرو است.

با این حال می توان استدلال کرد که تمام این اقدامات موقتی اند و پس از پاندمی سیاستهای نئولیبرالی سلطه خود را احیا خواهند کرد. این فرضیه، دقیقاً در پرتو بحران هژمونی که پیشتر توضیح شد، نامحتمل به نظر می رسد. اگرچه سلطه سرمایه داری بر دستگاه های عریض و طویل زور متکی است، اما نمی تواند بدون حداقلی از رضایت عمومی دوام آورد. این نشانه قابل توجهی است که نشریه فابیننشال تایمز، یکی از تأثیرگذارترین سخنگویان طبقات حاکم، از سال ۲۰۱۹، ستونی را با عنوان "سرمایه داری، زمان بازتنظیم فرارسیده است" راه اندازی کرده است. تحولات ناشی از مبارزه با پاندمی ممکن است نقش آخرین محرک لازمی را ایفا کنند، که پیشتر از این برای بازتعریف شرایط نفی سلطه نئولیبرالیسم غایب بوده است؛ مهمتر از همه به این دلیل که پاندمی خود تمایل به تعمیق بحران هژمونیک دارد، زیرا یکی از عوامل اصلی آن یعنی نابرابری را تشدید می کند. شرط بندی بر سر پایان نئولیبرالیسم در سال ۲۰۰۸ قطعاً زودرس بود. اما اکنون، بیش از یک دهه پس از آن بحران،



در بحبوحه یک بحران هژمونیک آشکار و در درون فاجعه پاندمی با ابعاد عظیم آن، پیش بینی پایان نئولیبرالیسم جسورانه به نظر نمی رسد. نامحتمل نیست که غلبه بر نئولیبرالیسم از نظر جغرافیائی سیر ناموزونی داشته باشد و تأثیرات متفاوتی بر هر یک از رئوس الگوی مثلثی داشته باشد. با این حال ترجیح اکید من این است که از پیش بینی های خاص در این سطح پرهیز کنم.

آیا اگر مبارزه با پاندمی به ترک سیاستهای نئولیبرالی بیانجامد، موجبی برای جشن و سرور خواهد بود؟ فرایزر، در نوشته ای که پیشتر از آن یاد کردم، پس از پیش بینی بحران هژمونی می نویسد: "من نخواهم توانست تظاهر کنم که از این بابت ناخشنودم." تردیدی نیست که غلبه بر نئولیبرالیسم به معنای گشایشی تاریخی برای مبارزه ای عمیقتر حول آینده جوامع ما خواهد بود. اما نباید این امکان را هم نادیده گرفت که تغییر وضع می تواند بیشتر حاوی عناصر گذشته گرا باشد تا عناصر رهائیبخش. این واقعیت که نظارت دولتی – که پیشتر از این هم در حال گسترش بود – برای غلبه بر پاندمی مستلزم تمرکز است (مثلاً استراتژی آزمایش و ردگیری ابتلا در نظر بگیرید)، به کفایت هشداردهنده است. هیچ چیز تضمین نمی کند که هیچ چیز تضمین نمی کند که پس از دفع و رفع ویروس کرونا، ردگیری تلفن های همراه و کاربرد تکنیکهائی چون تشخیص چهره، که ابزارهای مؤثر مبارزه با ویروس بوده اند، به روال دائمی کار دولتها تبدیل نشوند. چنان که مارکو د'رامو (Marco D'Eramo) متذکر می شود: "از کسی پوشیده نیست که از ویروس کرونا برای تقویت زیرساختهای نظارت بر شهروندان [سوء] استفاده می شود." به علاوه واقعیت این است دولتهائی که کمتر در معرض کنترل نهادهای دموکراتیک اند (مثلاً چین)، کارائی بیشتری در مقابله با پاندمی نشان داده اند. این واقعیت می تواند موجب تقویت گرایشهای اقتدارگرا گردد.

ایزابلا وبر، هائو چی و زونگجین لی (Isabella Weber, Hao Qi, and Zhongjin Li) در یک تلاش قابل تقدیر برای مقابله با شرق زدگی - که مشخصه بخشی از نیروهای چپ غربی است، اخیراً استدلال کرده اند که کارائی استراتژی چین در مقابله با ویروس کرونا نه به آن دلیل است دموکراتیک نبودن دولت چین، بلکه به این دلیل است که این دولت نئولیبرال نیست. اگرچه تردیدی نیست که سیاستهای نئولیبرال تلاشهای جدی برای مقابله با بحران سلامت را در برخی از کشورها با مشکل روبرو کرده است، اما در مورد خاص چین بسیار دشوار است که برنامه های اقتصادی آن از سیستم سیاسی اش جدا شود. به واقع یک مبارزه رهائیبخش برای غلبه بر نئولیبرالیسم مستلزم این دریافت است که بهترین راه برای مواجهه با بحرانهای کنونی و آتی، از طریق بیشترین دموکراسی و کمترین نئولیبرالیسم است. با این حال به نظر نمی رسد که نمونه چین در این مصاف ایدئولوژیک چندان مفید باشد.

منبع:

ژورنال برزلی اقتصاد سیاسی، دسامبر ۲۰۲۰

بیمه ی یکاردی برای یکاران!



بازگشت به کدام دوران طلایی؟

صادق



ایجاد بحث های انحرافی در شرایطی که موضوعی به خواسته های عمومی و فراگیر در میان طبقات اجتماعی تبدیل و نیروی قابل توجهی پیرامون آن شکل می گیرد، یکی از ترفندهایی است که دولتها و تشکلهای دولتی و عوامل آنها سعی می کنند با طرح و تبدیل آن به موضوع جایگزین افکار عمومی را از آن دور کنند. از این ترفند در گذشته برای بهم ریختن اجماع شکل گرفته حول مطالبات کارگری توسط عوامل حکومتی بهره گرفته شده و گاهی بخصوص زمانی که سطح آگاهی اجتماعی و دانش طبقاتی در حد مطلوب نبوده، اینگونه ترفندها هم به نتیجه رسیده اند.

در اوایل انقلاب هنگام بحث شورا و سندیکا و قانون کار عوامل حکومت با استفاده از ترفندهایی، توانستند شرایط روانی سرکوب شوراها و سندیکاهای واقعی و جایگزینی شوراها و سندیکاهای اسلامی فرمایشی با آنها را به خورد کارگران بدهند و هم قانون کار بی یال و اشکم خودشان را از تصویب بگذرانند. سالها طول کشید تا کارگران بفهمند چه بر سرشان آورده اند و آن زمان هم که دانستند با سرکوب و کشتار تلاش کردند دهان شان را ببندند. از بین بردن همه آن محدود قوانین حمایتی و تامین اجتماعی و وضعیت امروز کارگران نتیجه سرکوب تشکلهای سندیکایی و ترفندهای بکار گرفته شده آن دوره برای در هم شکستن همبستگی و از بین بردن قدرت طبقه کارگر و تاثیر گذاری آن بر رویدادهای کشور بود. اما اکنون که دانش مبارزاتی و آگاهی طبقاتی طبقه کارگر در اثر پیکارهای طولانی چند دهه اخیر رشد قابل ملاحظه ای پیدا کرده ترفندهای گذشته نیز کارایی شان را از دست داده اند و مطلوب مقصود حکومت نیستند.

به همین خاطر باید ترفندهایی را در اندازند که مثمر ثمر واقع شوند. در مورد دستمزد در سال گذشته با ترفند جمع آوری طومار حمایت از نمایندگان شوراها و سندیکاهای اسلامی حکومتی در شورای عالی کار فضایی ایجاد شد که دولتمردان و کارفرمایان توانستند دستمزد مطلوب نظر خودشان را جا بیندازند و کارگران را با سیاست وعده و انتظار تا



پایان سال کشاندند بدون اینکه چیزی بر دستمزدهای آنها در نیمه دوم سال بیفزایند. این ترفند موثر واقع شد و توانست عده‌ای از فعالین سندیکایی مستقل را هم فریب دهد. امسال دیگر اما تکرار ترفندهای پارسال ناممکن بود. در مورد قضیه همسان سازی حقوق باز نشستگان ترفندهای مختلفی از طرف باند خانه کارگری حسن صادقی بکار گرفته شد و برای مدتی توانست بر سر راه مبارزات باز نشستگان مانع و انحراف بوجود آورد. تلاش برای بجان هم انداختن باز نشستگان دولتی و تامین اجتماعی و ایجاد تفرقه در میان صفوف فشرده باز نشستگان ترفندی بود که خود دولت روحانی با افزایش اندکی بیشتر به باز نشستگان دولتی و کمتر به باز نشستگان تامین اجتماعی در انداخت و تا حدودی هم برای دولت نتیجه داد. در واقع همین مبارزات مشترک باعث افزایش حقوق باز نشستگان بخش دولتی شد.

حالا که همچنان مبارزه برای همسان سازی و افزایش واقعی دستمزدها و حقوق باز نشستگی همچنان در صدر خواسته های زحمت کشان قرار دارد، سرکردگان تشکلهای حکومتی با ترفند "مهمترین مطالبه کارگران ابطال دادنامه دیوان عدالت اداری و بازگشت به دوران طلای است" سعی دارند جهت مبارزات کارگران را از مسیر درست کنونی منحرف و آن را در مسیر ناکجا آباد تازه‌ای سوق دهند که نا فرجامی آن پیشاپیش روشن است

خبرگزاری ایلنا اخیرا مصاحبه هایی را در این خصوص با چند تن از رهبران شوراهای اسلامی انجام داده است. به رغم تفاوتها و زوایایی که بین صحبت های مصاحبه شدگان وجود دارد، اما جوهر و نتیجه حرفهای همه آنها یکی است و آن این است که گویا منشا همه مشکلات و بی حقوقی کارگران همین دادنامه ارتجاعی و ضد کارگری دیوان عدالت ستیز اداری رژیم است که به تنهایی موجب شکل گیری قراردادهای موقت کار و نفی مابقی حقوق کارگران گردیده و اگر دیوان آن را ابطال کند دوباره کارگران به دوران طلایی که هیچگاه حداقل در ۴۲ سال گذشته وجود نداشته باز خواهند گشت در یکی از این مصاحبه ها که با یکی از اعضای هیئات مدیره شوراهای اسلامی و با تیتزر سال مانع‌زدایی دادنامه ۱۷۹ را باطل کنید / به دوران طلایی بازگردیم

منتشر شد می خوانیم :

محسن باقری (عضو هیات مدیره کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران) در خصوص مهمترین خواسته‌ی کارگران از قوه قضائیه در سال ۱۴۰۰ به خبرنگار ایلنا گفت: اصلی‌ترین خواسته‌ی جامعه‌ی کارگری ابطال دادنامه‌ی ۱۷۹ است. چراکه با صدور این دادنامه، کل قانون کار زیرسوال رفته و قراردادهای کار از حیز انتفاع ساقط شده است. گذشته از بدفهمی وی از رفع موانع تولید که بعنوان شعار سال از طرف خامنه‌ای طرح گردیده ،

بر خلاف گفته این عضو تشکلهای وابسته به قدرت تنها علت از میان رفتن قانون کار وجود دادنامه ۱۷۹ نیست که با ابطال آن همه چیز سر جای اولش برگردد تمام مواد حمایتی محدودی که در قانون کار وجود داشتند توسط دولتهای مختلف از کارگزاران سازندگی دارو دسته رفسنجانی که اکثر رهبران خانه کار و شوراهای اسلامی عضو آن بودند تا دولت روحانی که خانه کارگر بخشی از متحدان آن است از میان برداشته شده و آنهایی هم که باقی مانده‌اند کنار گذاشته شده‌اند. برای نمونه تنها تغییر ماده ۲۷ قانون کار که توسط دولت روحانی و مجلس تغییر داده شده، به تنهایی کافی است تا هر نوع قراردادی را که بخواهند به کارگر تحمیل کنند.



این جماعت خودشان بهتر می دانند که نه دیوان عدالت ستیز اداری دادنامه ضد کارگری خود را باطل خواهد کرد و نه با ابطال آن حقوق به غارت برده شده طبقه کارگر را به آنها بازگردانده خواهد شد. دوران طلایی افسانه و ساخته و پرداخته ذهن خود این جماعت است. چنین دوره‌ای که این آقا می گوید ممکن است برای ایشان و رفقای خانه کارگری شان وجود داشته است

ولی برای کارگر خیر. جمهوری اسلامی از ابتدا تا کنون جهنم زحمتکشان و بهشت سرمایه داران رانتخوار حکومتی بوده است.

کارگران به هر جهت به نظر می رسد سال سختی را پیت ش رو داشته باشند و لازم است خود را از هر جهت برای مواجه با آن آماده کنند از سخنان نوروژی خامنه‌ای و روحانی تا صحبت‌های رئیسی در لرستان و تشدید فشار به فعالین کارگری و اخراج های دسته جمعی فعالین کارگری در مراکز عمده اعتراضی همگی دلالت بر سخت تر شدن سال جاری دارند. همبستگی و ادامه مبارزات و مقاومتها و سازماندهی خود در تشکل های مستقل تنها راهی است که برای درهم شکستن تهاجم رژیم مقابل جنبش کارگری قرار دارد.



www.hra-news.org

آتنا دائمی از زندان اوین به زندان لاکان رشت تبعید شد

آتنا دائمی، کنشگر مدنی زندانی روز سه‌شنبه ۲۶ اسفندماه از زندان اوین به زندان لاکان رشت تبعید شد

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



هشدار کارگران فولاد نسبت به اخراج دو کارگر مطالبه گر

با آغاز سال جدید پروژه اخراج و پیگرد فعالین کارگری نیز توسط کارفرمایان شروع شده است. پس از اخراج شماری از کارگران هفت تپه و پتروشیمی ها در پارس جنوبی و عسلویه که با اعتراضات گسترده کارگران آنها شروع شد، ظاهراً نوبت به تصفیه کارگران حق طلب در فولاد اهواز رسیده است. در ۱۰ فروردین مدیران فولاد به بهانه تمام شدن مدت قرارداد دو تن از فعالان صنفی کارخانه به نامهای (غریب حویزای و حسین رضایی) از ورود آنها به محل کارشان جلوگیری نمودند. کارگران کارخانه که از این اقدام به خشم آمده بودند بلافاصله با دادن فراخوان به اعتراض نسبت به اخراج این دو همکارشان واکنش نشان دادند. کارگران می گویند اخراج این دوتن سرآغاز اخراج تدریجی شمار زیادی از فعالین و مطالبه گران حق طلب صنفی است که در لیست اخراج مدیریت گروه ملی فولاد قرار دارند. در اعلامیه کوتاهی که با امضای (صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد) در این ارتباط منتشر شده است پس از اشاره به دلیل اخراج این دو کارگر به مدیران فولاد هشدار داده شده که اخراج کارگران را تحمل نخواهند کرد و در مقابل آن خواهند ایستاد.

متن بیانیه به شرح ذیل است:

"صبح امروز حراست شرکت از ورود دو تن از همکاران مان (آقایان حسین رضایی و قریب حویزای) به بهانه عدم نیاز و پایان قرارداد ممانعت کرده است.

طبق اخباری که از طریق همکاران شریف ما در اموراداری کسب کردیم ، هیئت مدیره و مدیریت عامل شرکت که خود عامل اصلی ناامنی در گروه ملی هستند ، قصد دارند با ترفند پایان قراردادها دست به اخراج های گسترده تری بزنند و لیست پرشماری از فعالان کارگری و کارگران حق طلب در شرکت تهیه شده که به مرور قرار است از کار بیکار شوند.



همین جا اعلام میداریم فرصت و اجازه هرگونه تعرض به معیشت احدی از همکاران خود را نه به مدیریت فاسد و نه به آمرین و صحنه گردانان این تصمیم نخواهیم داد و هر آنچه که در توان داریم برای دفاع و حمایت از همکارانمان را بکار خواهیم بست

بارها و بارها در بزنگاه های حساس نتیجه اتحاد و همبستگی ما را دیده اید و نیک میدانید کارگران شریف و شجاع گروه ملی صنعتی فولاد آنجا که پای منافع خود و طبقه کارگر و هم سرنوشتان شان در میان است چگونه معادلات تان را بهم خواهند ریخت.

هرگونه اتفاقی که روی دهد بر عهده گیرندگان و اجرا کنندگان این تصمیم خواهد بود".

اعتراض و تجمع به کاهش زمان قراردادهای و اخراج ۸ کارگر در هفت تپه

در ۷ فروردین کارگران قسمت دفع آفات کشاورزی مجتمع هفت تپه در اعتراض به کاهش مدت قراردادهای کاری خود توسط مدیریت و اخراج ۸ تن از فعالین صنفی حق طلب کارخانه تجمع نمودند. عدهای از کارگران قسمت های دیگر کارخانه نیز در حمایت از کارگران دفع آفات به تجمع آنها پیوستند و از خواستههای آنها حمایت و نسبت به پیامد های رفتار مدیریت نسبت به کارگران هشدار دادند. این تجمع تا ۱۲ فروردین همه روزه تداوم یافته است گفتنی است که اعتراض کارگران هفت تپه نسبت به اخراج ۱۵ تن از همکاران شان در سال گذشته باعث بازگرداندن آنها به سر کارهای شان شد.

در شهرداری امیدیه نیز اعتراض نسبت به اخراج ۳ تن از کارگران فضای سبز که توسط کارفرمای پیمانکار بطور غیر قانونی اخراج شدهاند همچنان ادامه دارد. کارفرما در حالی حاضر به بازگرداندن کارگران اخراجی نشده که کمیته حل اختلاف حکم بازگشت به کار آنها را صادر نموده است. این خود گویای قدرت فراقانونی است که صاحبان رانتخوار حکومتی شرکتهای پیمانکاری به دست آوردهاند.

تجمع یک هفتهای کارگران آب و فاضلاب روستایی در اهواز

کارگران آب و فاضلاب روستایی اهواز تمام روزهای ایام عید را در تجمع گذراندهاند. کارگران آب و فاضلاب ماه های متوالی است در بلاتکلیفی شغلی به سر می برند. نه دستمزد و حقوق هایشان را گرفتهاند و نه حق بیمه آنها به تامین اجتماعی پرداخت شده و بواسطه آن از کلیه خدمات تامین اجتماعی و پزشکی محروم شدهاند. کارگران خشمگین و معترض به این همه ستم و بی عدالتی که بر آنها روا می دارند، در تجمع بی وقفه ۷ روزه شان خواستار رفع بلاتکلیفی شغلی و پرداخت حق بیمه و مطالبات مزدی پرداخت نشده خود هستند. کارگران آبفای شهری اهواز نیز در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان به تجمع همکاران روستایی شان پیوستند. با این وجود تا کنون هیچ نهاد و مسئول دولتی کوچکترین اقدامی جهت رسیدگی به خواسته های صدها کارگر زحمتکش و گرسنه و سرگردان نکرده است. در سرزمینی که ۷۰ درصد درآمدهای کشور را تامین می کند کارگران را به حال خود رها نمودهاند. گفته می شود مبلغ ۲۰ میلیارد اعتباری را که مسئولین شرکت از استانداری



گرفته در جای دیگری هزینه و در واقع جهت کسب سود و به قیمت گرسنگی دادن به خانواده های صدها کارگر سرمایه گذاری کرده است.

کارگران پارس پامچال با فروش محصولات کارخانه بخشی از مطالبات شان را وصول کردند

کارگران یک کارخانه در قزوین که ۵ ماه طلب مزدی و ۸ ماه حق بیمه پرداخت نشده داشتند و کارفرما به آنها گفته بود پول نقد برای پرداخت مطالبات آنها ندارد، در اوج فقر و تنگدستی در شب عید در توافق با کارفرما ۶۰۰ میلیون تومان از محصولات انبار شده کارخانه را فروختند تا بتوانند بخشی از دستمزد و دیون کارخانه را به اداره برق و بیمه را تامین کنند. اگر فروش رنگ تولیدی این کارخانه توسط کارگران ممکن شده، معلوم نیست که چرا خود شرکت قبلاً مستقیماً پیش از اینکه این مشکلات پیش بیاید، اقدام به این کار نکرده است؟

بازنشستگان پس از پایان تعطیلات نوروزی مبارزات شان را از سر می گیرند!

تشکل مستقل (اتحاد بازنشستگان) با انتشار اعلامیه‌ای از بازنشستگان دعوت نموده تا در ۱۵ فروردین جهت پیگیری مطالبات بازنشستگان در تهران و دیگر شهرها در مقابل مراکز سازمان تامین اجتماعی تجمع نمایند. دعوت نامه اتحاد بازنشستگان گفته می شود: "برای ادامه دادن هیچ کسی را نداریم جز خودمان و این کافی ست. تجمع سراسری بازنشستگان تامین اجتماعی یکشنبه ۱۵ فروردین ساعت ۱۰:۳۰ محل محل تجمع استان تهران: روبروی سازمان تامین اجتماعی

محل تجمع شهرستان‌ها: روبروی اداره کل تامین اجتماعی

"اتحاد بازنشستگان"

گفتنی است که بازنشستگان علاوه بر مطالبات پیشین خود خواستار پرداخت بدهی پرداخت نشده همسان سازی تامین اجتماعی در سال گذشته هستند. اعتراضات خیابانی بازنشستگان در حالی از سر گرفته می شود که تشکلهای فرمایشی وابسته به خانه کارگر و حکومت در تلاشند که با تفرقه افکنی در میان بازنشستگان اثرات تلاشهای تشکلهای مستقل را خنثی نمایند.

تجمع اعتراضی و مطالباتی کارگران شهرداری کوه عبدالله مقابل استانداری

کارگران شهرداری کوه عبدالله که شب عید خود را با جیبهای خالی گذراندند، در ۱۱ فروردین در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی ۴ ماهه گذشته و عیدی شان مقابل استانداری تجمع و خواستار پرداخت به موقع دستمزد و حقوق شان شدند. گفتنی است که کارگران شهرداری این شهر قبلاً نیز چند بار به پرداخت نشدن به موقع دستمزد های شان اعتراض کرده بودند اما هیچ مسئولی ظاهراً در این گونه مواقع خود را آنقدر مسئول نمی داند که پاسخگوی کارگران باشد!

ادامه اعتراضات تشکلهای کارگری و حقوق بشری نسبت به تشدید فشار علیه فعالین سندیکایی و مدنی

فعالیت تشکلهای کارگری و حقوق بشری نسبت به تشدید فشارهای غیر انسانی به فعالین کارگری و مدنی که قبل از نوروز شروع شده بود در ایام تعطیلات نوروزی نیز ادامه یافت. این تشکلهای به اشکال مختلف از تهیه طومار



و بردن شکایت به نهادهای حقوق بشری و اتحادیه‌ای گرفته تا برپای سفرهای هفت سین مقابل زندانها و بر سر آرامگاه مبارزان جان باخته کوشیدند افکار عمومی را از رنج و ستمی که بر مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی توسط جنایتکاران رژیم می رود آگاه نمایند. در این میان فشار مضاعف به اسماعیل عبدی رهبر کانون صنفی معلمان با واکنش های گسترده‌ای در داخل و خارج مواجه و به گستردگی در رسانه های خبری پژواک یافت و سکوت و سانسور حاکم بر رسانه های داخلی را جبران و تلاش حکومت برای سرپوش نهادن بر این فشارها را خنثی نمود. ادامه و افزایش این فعالیتها و انعکاس وسیع آنها در جامعه اکیدا لازم است تا دوام یابد.

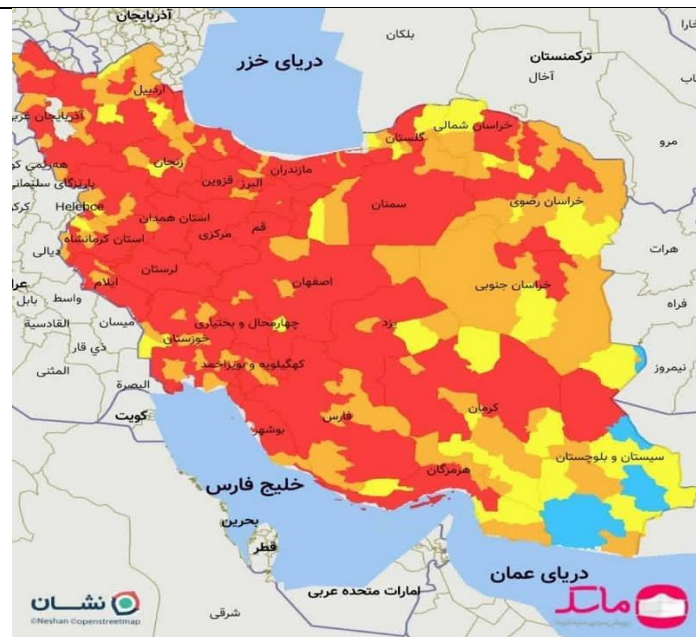
***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



آبی=کم خطر، زرد=خطر متوسط، نارنجی=پرخطر، قرمز=خیل

دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!